

ستاره راهبها

جستاری تحلیلی بر سیمون ابعاد شخصیتی و سلوک عملی

سردار شهید اصغر جبلی

جانشین اطلاعات عملیات سپاه هفتم جدید

محمد علی مشتاقیان

سرشناسه: مشتاقیان، محمدعلی، ۱۳۴۲
 عنوان و نام پدیدآور: ستاره راهنما : جستاری تحلیلی پیرامون ابعاد شخصیتی و سلوک عملی
 سردار شهید اصغر جبلی، جانشین اطلاعات عملیات سپاه هفتم حدید/ محمدعلی مشتاقیان؛
 ویرایش ادبی: دانیال سلحشورمنش، محمدعلی جعفری.
 مشخصات نشر: اصفهان، نشر دارخوین، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک: ۵-۷۵۲-۳۸۰-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: جبلی، اصغر، ۱۳۳۶-۱۳۶۱
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
 موضوع: Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Biography
 موضوع: سرداران -- ایران -- سرگذشتنامه
 بنده: کنگره: ۱۳۹۷ س ۲۷ ج / DSR۱۶۲۶
 رده: دیویی ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
 شماره کتابخانه: ۵۳۵۹۸۸۳۰

ستاره راهنما

نام کتاب :

نویسنده: محمدعلی مشتاقیان
 جمع آوری اسناد و ویرایش محتوای: محمدعلی مشتاقیان
 ناشر: دارخوین
 گرافیک: دانیال سلحشورمنش
 ویرایش ادبی: دانیال سلحشورمنش، محمدعلی جعفری
 طراحی جلد: سید مجید سجادی
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷



فهرست مطالب

۱۵	مقدمه
۱۷	شهید اصغر جبلی در یک نگاه
۲۱	زندگینامه
۲۵	فصل اول : رویش
۲۷	۱. تفصیل
۲۸	۲. بای : الی
۲۸	۳. برش و تهذیب نفس
۲۹	۴. قنات
۳۱	۵. فعالیت ای فردوسی
۳۲	۶. خراب کاری ساده
۳۳	۷. نارنجک دستی
۳۴	۸. محرم
۳۶	۹. ضبط صوت
۳۷	۱۰. خرید سلاح
۳۸	۱۱. سندی از ساواک
۳۹	۱۲. سفر به آبادان
۴۰	۱۳. کار خیر
۴۱	۱۴. روحیه‌ی عرفانی
۴۲	۱۵. امر به معروف
۴۳	۱۶. معجزه
۴۴	۱۷. کتاب مورد علاقه
۴۵	۱۸. چماق به دست
۴۶	۱۹. راهپیمایی
۴۷	۲۰. مسابقه استانی
۴۸	۲۱. یادی از دوران
۴۹	۲۲. سرمشق
۵۰	۲۳. دوستان قدیمی
۵۱	۲۴. به زلالی آب
۵۲	۲۵. لیاقت



۵۱.....	کمیته دفاع شهری.....	۲۶
۵۲.....	ایجاد نظم.....	۲۷
۵۳.....	دستگیری ضدانقلاب.....	۲۸
۵۴.....	کادرسازی.....	۲۹
۵۵.....	همیشه و همه جا.....	۳۰
۵۶.....	چریکوی خمینی.....	۳۱
۵۷.....	ورود به سپاه.....	۳۲
۵۷.....	گزینش نیرو.....	۳۳
۵۸.....	عائله سمیرم.....	۳۴
۵۹.....	پایان آشوب.....	۳۵
۶۰.....	کنش کای.....	۳۶
۶۰.....	عودجوش.....	۳۷
۶۲.....	حصار در بیستان.....	۳۸
۶۳.....	مبارزه با آشوبگران.....	۳۹
۶۶.....	جیب بیت‌المال.....	۴۰
۶۷.....	ضد انقلاب.....	۴۱
۶۷.....	امانت‌دار.....	۴۲
۶۸.....	اشغال به کار.....	۴۳
۶۹.....	کردستان.....	۴۴
۷۰.....	توجه به سخن معمار انقلاب.....	۴۵

فصل دوم: شیدایی ۷۱

۷۳.....	آماده‌ی جانفشانی.....	۴۶
۷۵.....	دمپایی‌های چوبی.....	۴۷
۷۶.....	خوش اخلاق.....	۴۸
۷۷.....	مادر شهید.....	۴۹
۷۷.....	نهی از منکر.....	۵۰
۷۸.....	جایزه روزه.....	۵۱
۷۹.....	نون و پنیر.....	۵۲
۷۹.....	کتاب خیاطی.....	۵۳
۸۰.....	رازدار.....	۵۴
۸۰.....	رزمنده.....	۵۵



۵۶	 عملیات فتح‌المبین	۸۱
۵۷	 فرمانده قلب‌ها	۸۱
۵۸	 حاج حسین	۸۳
۵۹	 رمضان	۸۴
۶۰	 دعای انسان‌ساز	۸۵
۶۱	 جبهه رفتن	۸۵
۶۲	 انس با قرآن در همه‌جا	۸۶
۶۳	 آموزش	۸۷
۶۴	 صدای آشنا	۸۸
۶۵	 ر‌اع با هم‌رزم	۸۹
۶۶	 جراحت	۸۹
۶۷	 ازدواج	۹۰
۶۸	 پیوند	۹۱
۶۹	 تصادف	۹۱
۷۰	 پر کشیدن جابل	۹۲
۷۱	 متفاوت	۹۲
۷۲	 دوست قدیمی	۹۳
۷۳	 تبلور محرم	۹۴
۷۴	 محورهای شناسایی	۹۸
۷۵	 بی‌ریا	۱۰۰
۷۶	 حرکت در شب	۱۰۱
۷۷	 صدای عراقی‌ها	۱۰۳
۷۸	 توصیه‌های شهید به همسرش	۱۰۵
۷۹	 اهل مطالعه	۱۰۶
۸۰	 عموجان	۱۰۶
۸۱	 وسایل اضافی	۱۰۷
۸۲	 خواب شهادت	۱۰۷
۸۳	 آخرین بار	۱۰۸
۸۴	 خبر شهادت	۱۰۸
۸۵	 تانکر آب	۱۰۹
۸۶	 وصیت‌نامه	۱۱۰
۸۷	 به یاد عمو	۱۱۱



۱۱۳	و صیتنامه
۱۱۹	آلبوم تصاویر
۱۲۹	منابع و مراجع
۱۳۳	فهرست اعلام

www.ketab.ir



می خواست گمنام بماند و ماند. نه فقط او، بلکه همه نام آوران مثل او. شاید لایه لای همین شلوغ بازار کاغذها و سی دی ها و نگاتیوها و همایش ها گمشان کرده ایم. به راستی کجا باید پیدایشان کنیم؟

این ها را گنم که خیال خودم و بقیه را راحت کنم که قرار نیست با این نوشته ها رانیم نامشان را آن جور که باید سر زبان ها بیندازیم، یادشان که بماند سر جای خودش.

خیلی دیر آمد و خیلی رود رست. در همین چند سال و چند ماه و چند روز که بود چقدر خاطره از خودش باقی گذاشت! شاید برای عده ای این ها فقط قصه و داستان کربا باشد؛ اما برای آن ها که با او زندگی کرده اند خاطره است. این خاطره ها را نباید خواند باید چشید، باید مزه کرد.



کسی نگفت از میان طوفان، چگونه آن شب گذشته بودی
گردباد و تگرگ و باران، چگونه آن شب گذشته بودی
کسی نگفت از میان آتش، میان آن شعله‌های سرکش
بهانه در دل، شراره در جان، چگونه آن شب گذشته بودی
نه ردپایی، نه گرد راهی، فقط تفنگی شکسته دیدم
تو بی‌نشان از کنار یاران، چگونه آن شب گذشته بودی
به بال‌سرخت که بسته بود آن نشان پرواز آسمان را
بگفته از خط و خون یاران، چگونه آن شب گذشته بودی
کسی نگفت از دل هیاهو، ز خون و سنگر ز موج و باران
تو بی‌راز از بهیب طوفان، چگونه آن شب گذشته بودی
فقط شنیدم که زال خود را گشادی از این کرانه رفتی
کسی نگفت از فراز ما از چگونه آن شب گذشته بودی
گرفتم از تو سراغ، گفتند گذشتی از شب، شهاب گونه
و من به حیرت که با شهیدان چگونه آن شب گذشته بودی
شلمچه بود و نگاه تیزت که می‌گذودی به دیده‌بانی
چه گویم اما به شوق ایمان، چگونه آن شب گذشته بودی
چو ابر و باران، ره تماشا گرفته بودش، اشک و جگر و شمم
ندیدمت با لبان خندان، چگونه آن شب گذشته بودی؟